

انقلاب اسلامی و اندیشه سیاسی امام خمینی مهديه منوچهری

مقدمه

از نظر لغوی انقلاب که معادل لاتین revolution می باشد. حالی به حالی شدن دگرگون شدن برگشتن تغییر کامل و مشخص در چیزی یک چرخش دورانی دوره ای از تغییرات دورانی که بازگشت به نقطه اول دارد یک دور افلاک و ستارگان در یک دایره یا منحنی مشخص بازگشت به نقطه مرکزی دارد. در قرآن کریم هم انقلاب به مفهوم زیرو رو شده آمده است.

آیه ۱۴۴ سوره ی آل عمران از نظر جامعه شناسی انقلاب معنای یک تغییر ریشه ای و بنیانی و عمیق در جامعه و ساخت های اجتماعی به ویژه زمانی که به صورت ناگهانی و اغلب با خشونت باشد بیان شده است در جامعه شناسی انقلاب دارای سه عنصر اساسی است .

(۱) علم الهی در آن دخیل است

(۲) عامل تقدیس و تعالی در آن نهفته است. بدین صورت که هر دگرگونی را که جنبه سقوط و نقص داشته باشد انقلاب نمی گویند.

(۳) عنصر نفی و انکار در آن دخالت دارد بدین ترتیب انقلاب در مفهوم اجتماعی آن عبارت است از وضعی را با اراده خود جذاب کردن برای رسیدن به وضعی بهتر می باشد.

از نظر سیاسی در تاریخ انقلاب به معنای تغییر نهاد سیاسی و نظام و سمیل های حاکمیت آمده است در یونان قدیم ارسطو احساس های انقلابی را به نوعی تضاد و تعارض ما بین آرزو های بشر و موفقیت تصور شده در رابطه با مساوات و عدم مساوات نسبت می دهد. او انقلاب را به عنوان جنبشی از یک مخالفت در رابطه بنیان هایی که جامعه بر اساس آن یابد می داند.

انقلاب در علوم سیاسی به دو صورت به کار برده می شود.

یکی برای هر نوع تغییر تحول سیاسی اجتماعی حاکم بر جامعه بدون توجه به نوع و جهت تغییر و دیگری تغییر در ارزش های مسلط بر جامعه

مفهوم اندیشه

اندیشه در لغت به معنای فکر تفکر و تأمل است و نوعی فعالیت ذهنی انسان عاقل محسوب می شود

در جهت کشف نا دانسته ها صورت می گیرد در کتب منطق اندیشه عبارت است از مرتب ساختن امور معلوم برای رسیدن به کشف مجهول و یا از آن به عنوان حرکت ذهن از مبادی و (معلومات تصویری تصدیقی) به سوی مطلوب یار می شود.

در معنای خاص اندیشه تفکری است که دارای ویژگی هایی همچون انسجام منطقی حدود و مرزهای منطقی قابلیت استدلال مبنا و اهمیت باشد در واقع هر گونه تفکر یا تلاش ذهنی را که به لحاظ منطقی منسجم و دارای مبنا و چهارچوب بوده و موجه باشد . اندیشه می نامیم اندیشه سیاسی مجموعه ای از آراء و عقایدی

است که به شیوه عقلانی و منطقی استدلال کند حدی که اندیشه های او دیگر صرفاً "آراء و ترجیحات شخصی به شمار نرود.

هدف اندیشه سیاسی نه صرفاً "توضیح علمی بلکه تغییر واقعیت همراه با سرزنش یا تأثیر اخلاقی بوده است در واقع هدف اندیشه سیاسی پیدا نمودن راه های بالا بردن کار مدتی حوزه سیاسی و اداره بهتر جامعه می باشد.

ماهیت انقلاب اسلامی ایران :

انقلاب اسلامی نه یک انقلاب مدرن نه یک انقلاب پست مدرن و نه یک انقلاب ارتجاعی که به تعبیر امام ره انفجار نور است.

هنگامی که می گوئیم انقلاب اسلامی غیر مدرن است مقصود این نیست که ارتجاعی است بلکه منظور آن است که بنابر مختصات مدرن شکل گرفته است. اتفاقاً انقلاب اسلامی از مدرنیته عدول می کند از آن بیرون می رود و دنیای مدرن را خطاب قرار می دهد.

انقلاب اسلامی دقیقاً خود را ادامه دهنده راه پیامبران و امامان معصوم می داند چنین انقلابی نه انقلاب مدرن است نه پست مدرن چرا که پست مدرنیته نیز نقاد مدرنیته و در پی آرمانهای دینی و معنوی نیست. حتی اگر در شعار استقلال آزادی جمهوری اسلامی دقت کنیم. می بینیم که پشتوانه استقلال و آزادی یک عنصر ارزش دینی است .

توده ی مردم را اگر آماده چنین مبارزه ای نباشند نمی توان بلند کرد به خیابان فرا خواند و برای مبارزه سازمان داد . انقلاب را نمی توان وارد کرد . قالب

امروز جنبش های آزادی بخش جهان به ویژه در جهان اسلام الهام گرفته از انقلاب اسلامی است

انقلاب ایران با تکیه بر آرمان های و عقاید مذهبی افراد جامعه شکل گرفته و نه تنها دنیای جدیدی از حاکمیت بر مستکبران را در همین دنیا نوید می داد بلکه بالا تر از آن به پیروان خود و معتقدین خاصی در میان انقلاب های سیاسی و اجتماعی دنیا آنها پیدا کرد.

ملت ایران از میان کشورهای تحت ستم و استثمار دنیا اولین کشوری بود که سر بلند کرد و نه تنها خود را از قید قدرت مستبده حاکم رها کرد بلکه جامعه خود را از استعمار و نفوذ همه ی قدرت های بیگانه نجات داد.

انقلاب به مراتب دشوار تر از انقلاب سیاسی لازم بود تا طلسم های تحجر شکسته شود .

بر داشت های انحرافی از اسلام که تا عمق حوزه های دینی رسوخ کرده بود زدوده شود و غبار قرن ها هجوم بیگانگان و پیرایه های دروغین از دامن اسلام راستین شسته شود و زلال اندیشه های اسلام ناب مهدی (ص) به نسل تشنه و خسته معاصر برسد.

امام خمینی با هدف ایجاد حکومت اسلامی مردم را به قیام وا داشت و به نام دین اسلام جهت ایجاد تفکر اسلامی بر خاسته بودند.

نقش رهبری امام خمینی در بوجود آمدن انقلاب اسلامی:

مرحله مقدماتی هر انقلابی همانا مشارکت عموم مردم در امر انقلاب است که به صورت انفجاری در داخل جامعه صورت می پذیرد. چنانچه این مشارکت و حضور از رهبری قوی بر خوردار نباشد و رهبری نتواند این حرکت را به نحو مطلوبی هدایت کند یا نتواند تحرک لازم را در تشکیل نهادهای لازم سیاسی ایجاد کند به پیروزی انقلاب نمی توان امیدوار بود .

امام خمینی که تاریخ پر از تجربه روحانیت مبارز را پشت سر گذاشته بود در این در این زمان خود را "رهبری را به دست گرفت و اجازه نداد که دیگران از جمله در رهبری و بهره برداری از ثمره مبارزات مردم شریک شوند .

شیوهی مبارزه ی امام بسیار ساده و دور از هر نوع پیچ و خم سیاسی امروزه بود او از ابتدا هدف خود را نه در پیروزی و تحقق خواسته های خود مردم بلکه در اجرای ادای تکلیف شرعی قرار داده او می گفت که ما صرفاً "به تکلیف الهی و شرعی خود عمل می کنیم یا پیروز می شویم یا کشته می شویم که در هر صورت پیروزیم.

امام در ایجاد ارتباط با افشار و توده های مردم نیوغ خاصی است که از کمتر کسی مشاهده گردیده است او با کلامی بسیار ساده و قابل درک برای همه حتی بیسواد ترین انسان ها پیچیده ترین مسائل سیاسی - اجتماعی را مطرح کرد و با بیان خود در اعماق قلوب انسان های معتقد ومومن نفوذ می نمود

باید در نظر داشت شیوه ی رهبری و مبارزه ی امام در انقلاب اسلامی نتیجه ی یک سنت تاریخی طولانی از صدر اسلام می باشد. امام با درک و شناخت عمیق از قرآن و سنت پیغمبر اکرم(ص) و ائمه طاهرين (س) و بررسی سیر تاریخی تحولات سیاسی-اجتماعی جهان اسلام و به خصوص ایران و همچنین مطالعه ی اوضاع و احوال سیاسی اجتماعی زمان معاصر سیستم مبارزه ی خود را انتخاب کرد.

امام همواره در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب بر این دعوت الهی پای فشرده و می توان گفت شاه بیت قیام امام همین دعوت به قیام الله است. در ایجاد و تشکل قدرت اجتماعی سه عنصر و رکن اساسی از یکدیگر قابل تمییز وتفکیک هستند که عبارتند از :

(۱) مردم (۲) رهبری (۳) ایدئولوژی بدون حضور فعال گروه های اجتماعی اساساً" قدرتی به نام قدرت اجتماعی به وجود نمی آید و بدون وجود ایدئولوژی که تنظیم کننده و ترسیم کننده ارزش ها و ایده آل های جامعه است تشکیل و انسجام لازم امکان پذیر نخواهد بود و بدون رهبری حرکت ها و تلاش های آن ها بدون برنامه خواهد شد یکی از مسائل مهمی که از نظر اغلب تحلیل گران انقلاب اسلامی ایران را به خود جلب کرده و ناظرین خارجی را به حیرت انداخته بود این واقعیت بود که چگونه در این انقلاب به ناگهان تمامی مردم تقریباً "همزمان و هماهنگ سر بر داشته و قیام کردند و هم صدا خواستار تحول و تغییر اساسی یعنی سقوط رژیم شاه و برقراری حکومت اسلامی شدند.

بررسی موانع درونی نفس و چگونگی تعدیل آن ها در جدال با نیروهای خیر موضوع علم اخلاق است که امام خمینی درآثاری هم چون (چهل حدیث) به تفضیل از آن ها سخن گفته است و مبارزه علیه موانع بیرونی (استبداد) نیز در نظریه ی سیاسی امام خمینی مطلق به حوزه ی سیاست است که از منظر اخلاقی بدان نگرسته می شود.

اگر عمل صالح در علم اخلاق امام خمینی مفهوم کلیدی به حساب آید مبارزه ی سیاسی مصداقی است از مصادیق عمل صالح . در واقع مفهوم (مبارزه و قیام) فصل مشترک اخلاق و سیاست می شود و قیام علیه استبداد ودیکتاتوری علاوه بر این که پدیده های سیاسی قلمداد می گردد خصلت اخلاقی نیز پیدا می کند . بنابراین رهایی از سلطه و سیطره ی دیگران به عنوان یک پدیده ی اخلاقی و سیاسی در خدمت

تحقق ماهیت وجودی انسان قرار می گیرد و راه وصول به عشق مطلق را در سایه ی دولتی که حاکمان آن علاقه ای به تحمل نظرات و خواسته های نفسانی خود بر مردم ندارند هموار می سازند. امام خمینی با اشاره به ظلم و سلطه به عنوان مانع بیرونی بر سر راه کمال یابی انسان بر ضرورت علم سیاسی تاکید می ورزد و صراحتاً قیام علیه سلطان مستبد را سیره ی انبیا و تکلیف عموم مسلمین می داند .

به دیده ی ایشان مسئله ی اساسی عصیان و شورش همه ی مردم بر ضد ستمگرانی است که به آن ها ستم می کنند انبیا و اولیا در مقابل اشخاصی که ظلم به مردم می کردند قیام کردند . سیره ی انبیا همین بوده است.